اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هفتاد و نهم)

آخر الزمان (قسمت هفدهم)

دفع کردن دیوها (بخش سیزدهم)

شرایط گلخانه ای (قسمت پنجم)

نظام رحمانی، بر پایه صبر بنا شده است. به همین خاطر خدای مقدس می فرماید که خدا با صبر کنندگان است (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ). وقتی زمستان برف می بارد، به مرور زمان، برف آب شده و آب ذوب شده برف داخل زمین فرو میرود و از میان سنگها و خاکها عبور میکند و انواع املاح و ویتامینهای داخل این خاکها را با خود حل می کند و به داخل چشمه ها و مزرعه ها می برد. خدای رحمان بخشنده است. وقتی آب به مردم میرساند، فقط آب مقطر (H2O) به مردم نمی دهد، بلکه همراه آب، انواع املاح گوناگون و ویتامین ها را هم داخل آب برای مردم میفرستد (بدون این که مردم این

موضوع را بدانند) . شکرگزاری از نعمتهای خدا در اصل به این معناست که انسان به این همه لطف باریتعالی اقرار کند و بداند که خدا چقدر بخشنده است.

گندم و گیاهان و میوه های حاصل از این آب معدنی، مغذی است و ویتامینهای مورد نیاز بدن ما را تامین میکند. گاوی که از این آب معدنی و گیاهان و سیستم تغذیه میکند، شیرش مغذی است و انواع نیازهای بدن انسان را در خود دارد. خدا بسیار بخشنده است. گاوی که طبیعی تغذیه میکند، در شیرش انواع ویتامینها هم موجود است. اما بشر در آینده نزدیک مجبور میشود که آب شور اقیانوس را شیرین کند و آن را تقطیر کند و در این فرآیند انواع ویتامینها و املاح آب از بین میرود و بهتر است در این حالت، آن آب را H2O بنامیم. اما خدای رحمان بخشنده است و همراه H2O خیلی مواد و ویتامینها و املاح مورد نیاز انسان را هم میفرستد. اما این فرآیند یک روزه تشکیل نمیشود. زمانی که برف می بارد، چند ماه طول میکشد تا این برف آب شود و داخل زمین نفوذ کند و به مرور چشمه ها و رودها پر از آب شوند. بعضی چشمه ها در آخر زمستان ، کم آب هستند زیرا برفها هنوز آب نشده اند. اما اوایل بهار، پر آب میشوند. صبر مهمترین رکن این فرآیند است. اگر همان لحظه برف را جمع کنید و خودت آن را گرم کنید و آب کنید؛ این آب ، یک آب مقطر است بدون املاح و ویتامینها. آب شدن برف و نفوذ آن در داخل زمین و روان شدن آن و جذب کردن انواع ویتامینها و املاح، زمانبر است. به همین خاطر این فرآیند مخصوص کسانی است که صبر دارند. کسی که صبر نداشته باشد، دستگاه آب شیرین کن

میسازد و آب مقطر تهیه میکند و این زمان زیادی نمی برد. اما کسی که صبر نداشته باشد، املاح مفید آن را از دست میدهد. وقتی مردم صبرشان را از دست میدهند، دیگر از نظام رحمانی هم بریده میشوند. وقتی صبر نباشد، مواد غذایی هم کیفیت لازم را از دست میدهد. انسان در آینده در این مسیر حرکت میکند. در تهیه گوشت و تخم مرغ، وزن و سرعت تولید برایش مهم است و کیفیت را قربانی میکند. انسان بیشتر دنبال شکل و اسم است. اگر چیزی شبیه گوشت و تخم مرغ و شیر تولید کند، فکر میکند که دیگر کار تمام است. در حالی که مصرف کننده ها از اینکه مثل سابق ویتامینهای بدنشان تامین نمیشود، تعجب میکنند. غافل از آنکه انسان به سمت ایجاد شرایط گلخانه ای میرود. به همین خاطر پیامبر ابراهیم خیلی زیبا می گوید که خدا آن کسی است که به من خوراک میدهد و سیرابم میکند. خدای رحمان بخشنده و دست و دلباز است و نیازهای انسان را میداند. در نظام رحمانی، نیازهای انسان بدون این که خود انسان بداند، رفع میشود. خیلی از مردم این نکات را نمی دانند و اما افراد مومن، شکرگزار هستند و میدانند که چه اتفاقی دارد می افتد.

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ و آن کس که او به من خوراك می دهد و سیرابم می گرداند (٧٩)

در ادامه می گوید که خدا کسی است که چون بیمار شوم، او مرا شفا میدهد. خیلی جالب است که در این آیه، نکته ظریفی گفته شده است. انسان دلش را خوش کرده به داروهای شیمیایی. در حالی که خدای رحمان هر بیماریی را شفا می بخشد. داروهای

ساخت انسان، شفا دهنده نیستند و بیشتر آنها مسکن هستند و مانع شفا. این داروهای شیمیایی فقط در حالات خیلی استثناء باید مصرف شوند و لاغیر.

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾ و چون بیمار شوم او مرا درمان می بخشد (۸۰)

بیشتر بیماریهای انسان وقتی غیر قابل درمان می گردند، که او شروع میکند به استفاده سرخود از داروهای شیمیایی و داروهای ساخت دست خویش و دل به این مواد شیمیایی خوش میکند. انسان بیمار در بیشتر مواقع دنبال شفا نیست، بلکه بیشتر مواقع دنبال کاهش درد است. به همین خاطر مسکنهای مختلف مصرف میکند و شفا نمی یابد، فقط دردش کاهش می یابد؛ زیرا او صبر ندارد. زمانی یک پزشکی بود که تخصصش دَرد بود. مردم پیشش میرفتند و برای شش ماه بعد نوبت میداد. این ثابت میکند که بیشتر مردم دنبال درمان درد هستند و نه شفا.

عدم صبر در تمام جنبه های زندگی افراد نفوذ کرده است. خانواده ها در پی آن هستند که هر جوری شده است، بچه هایشان را وکیل و دکتر و مهندس کنند و این در حالی است که به رشد روحی روانی این بچه هیچ توجهی نمی شود. در نهایت والدین نتیجه لازم را از پرورش بچه هایشان نمی گیرند و فرزندانی پولکی و بی ایمان پرورش می یابند. یا خانواده ها انواع شرایط غیر منطقی را در ازدواجها می پذیرند و فقط میخواهند که بچه هایشان به قول خودشان سامان گیرند. در نهایت همان شرایط زندگیشان را به هم میریزد. این است که صبر مهمترین نکته در زندگی رحمانی است. هر گونه عدم صبری، باعث خروج از نظام رحمانی خواهد شد. نظام رحمانی براساس

صبر بنا شده است. کسانی که وارد بهشت میشوند، فرشتگان به آنها سلام و خوش آمد می گویند بخاطر اینکه در این دنیا صبر به خرج داده اند: [و به آنان می گویند] درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید راستی چه نیکوست فرجام آن سرای.

سَلَامٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۲۴﴾

[و به آنان می گویند] درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید راستی چه نیکوست فرجام آن سرای (۲۴)

مدیتیشن هم مخالف و متضاد صبر است. زیرا افراد در مدیتیشن دنبال یک روش میانبر برای تنظیم اعصاب و کسب آرامش هستند. در حالی که این ممکن نیست و افراد باید با کردار نیک و گفتار نیک و گفتار صبر آرامش کسب کنند. در سوره العصر چهارمین رکن ، صبر است. پیام زرتشت ؛ پندار نیک، کردار نیک ، گفتار نیک بوده است. پیام تمام پیامبران به صورتهای مختلف برحسب نیاز جامعه آن زمان از طرف خدای رحمان بوده است. اما خدای رحمان برای عصر و دوره ما در سوره العصر یک اصل به آن اضافه کرده است و آن را به چهار رکن تبدیل کرد و آن رکن مهم، گفتار صبر است.

وَالْعَصْرِ ﴿۱﴾

سوگند به عصر [دوره زمانی] (۱)

إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ﴿٢﴾
که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲)

إِلَّا الَّذِين آمَنوا وَعَمِلُوا ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾
مگر کسانی که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای نیک کرده (کردار نیک) و همدیگر را به حق سفارش (گفتار نیک) و به صبر و شکیبایی توصیه (گفتار صبر)کرده اند (۳)

خدا آن را گفتار صبر می نامد زیرا نسل جدید، همدیگر را به صبر توصیه کنند و در امور خود صبر کنند تا که از نظام رحمانی خارج نشوند. وقتی محصولی را تولید میکنند، باید توجه شود که آیا زمان کافی برای تولید آن در نظر گرفته شده است، که اگر گرفته نشود، بی کیفیت خواهد بود و نیازها را برآورده نمی کند و بیمار میشوند.

افراد بیمار دنبال شفا نیستند، بلکه دنبال یک راه میانبر برای قطع درد هستند. به همین خاطر روش قرصهای شیمیایی را انتخاب میکنند. قرصها لحظه ای درد ها را قطع میکنند. همین لحظه ای قطع کردن درد، باعث تعلل در بهبود میشود و عدم صبر در آن نهفته است. یکی بود که هر وقت کودکش سرما خوردگی پیدا میکرد و یا تب میکرد، فورا انواع داروهای شیمیایی را به او می خوراند. بعد از مدتی کودکش مریض شد و بخاطر داروهای شیمیایی، آنقدر سیستم ایمنی بدنش ضعیف شده بود که همیشه بیمار بود. زیرا او فقط به یک سری علائم توجه میکرد و صبر نداشت. فقط میخواست کودک تب نکند و ظاهرش بیمار نباشد. انسانها برای بهبود حتی کودکانشان هم خیر خواه کامل نیستند. خدا از هرکسی برای ما خیرخواه تر و دلسوز تر است.

خدا بخشنده و مهربان است. او میخواهد آدمیان را شفا بخشد؛ اما شیطان دنبال این است که آدمیان را از نظام رحمانی متنفر کند. خدا انواع محصولات را به مردم میدهد، اما شیطان با گسترش مشروب الکلی و مخدرات، تمام آن ویتامینها را از بدن آنان می گیرد. علم ثابت کرده است که مصرف مشروبات الکلی و مخدرات و خیالات و توهمات و انجام مدیتیشن، به مرور تمام ویتامینهای ذخیره شده بدن ما را مصرف میکنند و بدن انسان را دچار انواع کمبودها میکند. موادی که مشروب الکلی از آنان درست میشود، در چرخه تبدیل به مشروب الکلی، چنان تغییر ماهیت می دهند که قند آنها به یک نوع قند غیر قابل تجزیه و غیر قابل استفاده برای بدن ما میشود. بدن انسان نمیتواند از قند موجود در الکل استفاده کند و در نتیجه مصرف کنندگان بعد از مصرف ، کسل و ناتوانند، طوریکه بدن مجبور است از ویتامینهای از قبل موجود در بدن استفاده نماید. بدن ، بعد از مشروب خواریهای فراوان، ویتامینهای اصلی و ضروری خویش را از دست میدهد. الکل و سایر مواد مخدر، مواد ضروری و ویتامینهای نایاب بدن را از بین می برند و بعد از مدتی افراد به انواع و اقسام کمبود ویتامینها و موارد دیگر دچار خواهند شد. مدیتیشن شامل یوگا، افراط در فیلم نگاه کردن، افراط در آهنگ گوش دادن، افراط در هر نوع خریدهای الکی و کسب آرامش از این طرق ، به روشهای مختلف انسان را بیمار میکنند. چندی پیش ، کیم کارداشیان ، خواننده و مدل مشهور آمریکایی گفت که حتی با خوردن مدفوع هم مشکلی ندارد؛ تا زمانی که او را جوان نگه دارد. در این مصاحبه او گفت: اگر به من می‌گفتید که هر

روز خدا باید مدفوع بخورم تا جوان‌تر به‌نظر برسم، این کار را می‌کردم. فقط انجامش می‌دادم! **تقلید کورکورانه و وابستگی شدید به قیافه و لذتهای خیالی ، بشر را به سمت استفاده از هر معجونی می برد، حتی اگر این معجون مدفوع باشد. جوانتر به نظر رسیدن برای این افراد از هر چیزی مهمتر است و توجهی به عواقب استفاده از این مسکنها ندارند. در تلویزیون چندی پیش یک آگهی تبلیغاتی پخش میشد که افراد را بخاطر چین و چروک صورتشان سرزنش میکرد و این سرزنش فقط بخاطر فروش بیشتر یک کِرِم شیمیایی بود و بخاطر بدست آوردن پول بیشتر بود و نه بخاطر خیرخواه بودن آگهی دهنده. پندار نیکی پشت این ماجراها نیست. کسی نمیتواند خود را جوانتر کند و فقط یک حیله است برای فریب دیگران.**

شیطان تلاش دارد آن چیزی که خدای رحمان داده است ، ازت بگیرد. وقتی صبر نکنید، انسانها در تله شیطان خواهند افتاد. خدا وعده می فرماید که در کنار هر سختیی ، آسانیی خواهد بود. هر دردی، شفا به دنبال دارد. اگر مسکن مصرف کنید و مدیتیشن کنید، دیگر نتیجه نخواهید گرفت.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ پس [بدان که] با دشواری آسانی است (۵)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ آری با دشواری آسانی است (۶)

آیه مهم بالایی دوبار پشت سر هم تکرار شده است وقتی خدا بخواهد مطلب مهمی را به انسانها بگوید، چندین بار پشت سر هم تکرار میکند. کسی که در خواب عمیق است را نمی توان با یکبار صدا زدن بیدار کرد، بلکه باید دوبار و یا بیشتر صدا بزنید. به این طریق خدا میخواهد بفرماید که ای انسان، عجله نکنید و سر خود داروهای شیمیایی مصرف نکنید و برای رسیدن به هدف مادی، هر شرایطی را قبول نکنید، صبر کنید که بعد از هر دشواری ای، آسانی خواهد بود. در نظام رحمانی مشکل حل نشدنی وجود ندارد، فقط باید صبر کنید.

خدای مهربان در سوره الرحمان آیه مهمی را ۳۱ مرتبه تکرار میکند و با این تکرار خیلی زیاد میخواهد مردم را متوجه نکات خیلی عمیقی کند که مردم به آن توجه نمی کنند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس كدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منكريد

نعمتهای پروردگار قابل شمارش نیست؛ زیرا ما انسانها هر آنچه داریم از اوست. او بخشنده و مهربان است. خیلی نعمات به ما میدهد که ما خودمان ماهیت واقعی آن نعمت را نمی دانیم. برف می باراند و ما فکر می کنیم که فقط H2O است. در حالی که فرآیند بارش برف و باران، خودش شامل هزاران نعمت دیگر است ولی ما آن را

فقط آب می نامیم. وقتی عسل طبیعی فراهم میاید، ما فکر میکنیم که چیزی مثل مربای دست ساز خودمان داریم می خوریم ولی عسل طبیعی ناشی از یک فرآیند وحی است که ارزش غذایی آن بسیار بیشتر از اینهاست. وقتی شبها راحت می توانیم بخوابیم، شکرگزاری میخواهد زیرا با این خواب خیلی از مشکلات انسان حل میشود. کسی این نعمتها را متوجه نمیشود. شاید در آینده خوابها حالت مصنوعی پیدا کنند و مردم دیگر نتایجی که ما از خواب می گیریم، نگیرند و مجبور شوند برای کسب آرامش، به روانپزشکها و روانشناس ها مراجعه کنند و بیش از پیش خود را وارد جزئیات کنند و از نظام رحمانی خارج شوند. در حالی که که ما اکنون از خوابیدن، صد نتیجه و فایده می گیریم و البته خودمان کاملا به جوانب آن واقف نیستیم. ولی در آینده که بشر از نظام رحمانی فاصله می گیرد و خود را وارد فاز گلخانه ای میکند، خوابیدن فقط سه چهار فایده برای آنها داشته باشد و بقیه را باید خودشان بدست آورند و به این طریق بشر خودش را وارد جزئیاتی بی پایان و خسته کننده میکند.

وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿۳۴﴾

و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت خدا را شماره کنید نمی توانید آن را به شمار درآورید قطعا انسان ستم‌پیشه ناسپاس است (۳۴)

هر انسانی به خدا یک جمله بدهکار است که روزی باید به این نتیجه برسد و آن را به زبان آورد. آن هم این است که خدایا از قبول امانت و آمدن به این دنیا پشیمانم. کسی که به این نتیجه برسد، ثابت میکند که قصد توبه دارد و می خواهد به بهشت

برین برگردد. از نظر خدا کسانی که به این نتیجه نرسند، ستمگر و نادان خواهند ماند (ظَلُومًا جَهُولًا).

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿۷۲﴾

ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناك شدند و[لی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود (۷۲)

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۷۳﴾

[آری چنین است] تا خدا مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرك را عذاب كند و توبه مردان و زنان با ایمان را بپذیرد و خدا همواره آمرزنده مهربان است (۷۳)

کسانی که گناه میکنند و قصد ندارند که توبه کنند ولی میخواهند سریع و میانبر حس خوب پیدا کنند، سراغ راههای غیر رحمانی می روند. این هم خودش مخالف صبر است. یکی هست که رشوه می گیرد و پندار مناسبی در مورد زندگی ندارد، ولی بعد از انجام گناه، جهت آرامش فکری و جلوگیری از عذاب وجدانش، به سراغ موسیقی های آلفایی میرود تا که به خیال خودش روان گسسته و گنه کار خود را دوباره آرام و تنظیم کند. در حالی که این نوع تنظیمات مصنوعی و میانبر یک نوع فریب است. این نوع کسب آرامش نوعی دستکاری سیستم رحمانی است. چطوری آدمی میتواند

بدون داشتن پندار نیک و کردار نیک؛ و جبران کردار بد، حس خوب داشته باشد! انسان گناهکار فقط با توبه و اصلاح خود میتواند به خود حس خوب دهد و لاغیر. حس خوب واقعی نتیجه انجام کارها و پندارهای نیک است و هیچوقت بوسیله موسیقی گوش دادن و تفریح کردن و سایر امور دنیوی بدست نمی آید. فقط و فقط برگشت و اصلاح و جبران و توبه و انابه به درگاه خدای عالمیان است که سیستم عصبی و روانی انسان را تنظیم میکند. مردم میخواهند این مورد را هم بطور مصنوعی انجام دهند و میخواهند با این جور کارها هم شرایط گلخانه ای بدهند تا زود به نتیجه برسند. در حالی که ایجاد حس خوب واقعی و آرامش واقعی نیاز به صبر و زمان دارد. زیرا چیزی که آرامش را از انسان بگیرد، باید جبران شود و توبه شود و دوباره به سطح پندار نیک برسیم تا حس خوب بوجود آید و این فرآیند صبر میخواهد. بنابراین پول و تفریح و سرگرمی و آهنگ گوش دادن، میانبر هستند و فقط صورت مساله را پاک میکنند و هیچوقت آرامش واقعی نمی آورند و همه چیز لحظه ای و آنی است و هیچ نتیجه ای حاصل نمیشود و بلکه فقط یک اعتیاد خطرناک به دنبال دارد.

فرعون در آخر عمرش که داشت غرق میشد، توبه کرد ولی نتوانست جبران و انابه کند. بنابراین توبه او نصوح نبود و پذیرفته نشد. زیرا صبر خاصی در توبه و انابه نهفته است که در لحظه غرق شدن، فرآیند صبر امکان پذیر نیست و نمیتوان آن را اجرا کرد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید به درگاه خدا توبه ای راستین کنید امید است که پروردگارتان بدیهایتان را از شما بزداید و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد در آن روز خدا پیامبر [خود] و کسانی را که با او ایمان آورده بودند خوار نمی گرداند نورشان از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است می گویند پروردگارا نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای که تو بر هر چیز توانایی (۸)

وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ﴿٥٤﴾

و پیش از آنکه شما را عذاب در رسد و دیگر یاری نشوید به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم او شوید (۵۴)

بدون صبر نمیتوان پندار را ثبات بخشید. برای ثبات بخشیدن به پندار، باید چرخه (پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر) بچرخد و چندین دور طی شود تا محکم شود. در این سیکل بعد از گفتار صبر، دوباره به پندار نیک می رسیم. و در زمان و عصر کنونی ما، صبر مهمترین قوه و عامل این چرخش است. پندار نیک باید ثبات یابد و به همین دلیل خدای حکیم و مقدس در قرآن، پندار نیک را ایمان می نامد. زیرا ایمان باید روز به روز افزایش یابد و افزایش ایمان هم فقط در این چرخه امکان پذیر است.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۴﴾

اوست آن کس که در دلهای مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای سنجیده کار است (۴)

لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿۵﴾

تا مردان و زنانی را که ایمان آورده اند در باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد و در آن جاویدان بدارد و بدیهایشان را از آنان بزداید و این [فرجام نیك] در پیشگاه خدا کامیابی بزرگی است (۵)

وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿۶﴾

و [تا] مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرك را که به خدا گمان بد برده اند عذاب کند بد زمانه بر آنان باد و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است (۶)

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۷﴾

و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست و خدا همواره شکست ناپذیر سنجیده کار است (۷)

بدون مشاهده آیات و نشانه ها و بدون شکر گزاری این نعمات، نمیتوان پندار نیک را ثبات بخشید و کسب این نتیجه فقط در نظام رحمانی امکان پذیر است.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾

مؤمنان همان کسانی اند که چون خدا یاد شود دلهایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می کنند (٢)

پندار نیک همان ایمان است زیرا ایمان است که باعث امنیت و ثبات پندار میشود. اگر بمرور زمان ایمان ما اضافه نیابد، یعنی چرخه پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر نمی چرخد و ممکن است که افراد به حالت توقف برسند. هدف اصلی فلسفه های شیطانی مثل وحدت وجود و توقف فکر و تناسخ و عشق و غیره توقف این چرخه است. زیرا توقف این چرخه به معنای رشد معکوس انسان است و انسان میتواند به اسفل سافلین سقوط کند. توقف این چرخه خیلی خطرناک است، زیرا در صورت توقف این چرخه، انسان انرژی لازم را برای جلوگیری از نفوذ شیطان نخواهد داشت و گرفتار میشود. در عین حال که شیطان بسیار مکار ظاهر شده است، ولی نفس شیطان ضعیف است و به زودی ضعیفتر هم خواهد شد. به همین خاطر این چرخه چهار مرحله ای باید توقف کند تا او به ذهن انسان دسترسی داشته باشد. در صورت توقف این چرخه، انسان ضعیف میشود و همین ضعف باعث میشود که شیطان بر او مسلط شود. تمام مکرها و حیله های اهریمن مکار برای از کار انداختن این چرخه است. مدیتیشن، یوگا، گوش دادن به آهنگهای آلفایی، فیلمهای توهمی و تمام گناهان به این خاطر است که انسانها ضعیف شوند و سطح نفس آنان هم سطح نفس شیطان شود و در نتیجه در دسترس شیطان قرار خواهند گرفت.